

افتراقات محدود محارم در فتاوی فریقین با استنباط از آیات قرآن و روایات*

□ علی غضنفری**

سارا طباح***

چکیده

شناسایی مصادیق محارم سببی و نسبی به جهت تأثیر بسیار آن در زندگی دنیوی خاصه در امر ازدواج، نظر به نامحرم، شیردهی و... و بالمآل اثر زیاد آن در حیات اخروی اهمیت بسیاری دارد. تبیین مصادیق برخی از آنها با توجه به نصوص آیات قرآن و روایت رسیده آسان است ولی در برخی موارد به خاطر عدم نص صریح اختلاف شده است. محقق در این مقاله تلاش کرده است با استناد به مصادر کتابخانه‌ای و بهره‌گیری از متون تفاسیر شیعی و سنت و نیز مجامع حدیثی فریقین، این محارم را دسته بندی نموده و مشترکات آنان را در فقه اندیشمندان تشیع و عالمان سنت مورد ارزیابی قرار دهد. بنابراین؛ نوشتار حاضر ضمن تبیین احکام فقهی محارم و طرح مصادیق مشترک و متفرد از منظر فقه امامیه و مذاهب اهل سنت، به این مهم دست خواهد یافت که مشترکات فقهی تشیع و تسنن بسیار زیاد بوده و مفترقات آنان به جهت نبود نص صریح در منابع استنباطی و روایات طرفین و برداشت‌های مختلف از ظواهر باز می‌گردد.

*. تاریخ وصول: ۱۴۰۳/۴/۲۳ تاریخ تصویب ۱۴۰۳/۱۱/۳۰.

** دانشیار دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم دانشکده علوم قرآنی تهران (ghazanfari@quran.ac.ir).

*** کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث ۰۷۳yyaali@gmail.com

کلیدواژه‌ها: محرم، محارم سببی، محارم نسبی، محارم رضاعی.

مقدمه

قرآن کریم در بیان محارم سببی و نسبی و رضاعی، شیوهی حکیمانه داشته و زمینه‌سازی برای تأمل و تفکر در این مسائل را فراهم آورده است. در این نوشتار سعی شده که مسائل فقهی مربوط به محارم با استناد به منابع اصیل آورده شود تا آنچه که موجب حرمت ازدواج مرد و زن می‌شوند و نیز عواملی که موجب فسخ و باطل نمودن ازدواج می‌گردند، مبرهن شوند. در این راستا نظرات مشترک و متمایز فریقین روشن خواهد شد و مورد کنکاش فقهی قرار خواهد گرفت. قرآن پژوهان در تحقیقات پیشین، به طرح احکام مربوط به مسائلی که سبب نشر حرمت می‌شود پرداخته بودند ولی تاکنون نظرات شیعه و مذاهب اهل سنت با هم مقایسه نشده است. بی‌تردید اگر این امر به نهایت برسد، به همدلی این دو گروه بزرگ اسلامی به جهت کثرت بی‌حصر مشترکات در برابر قلّت بسیار مفترقات می‌انجامد. چیزی که قرآن همواره به آن گاه اشاره و گاه تصریح داشته و روایات پیامبر و ائمه طاهرین و منقولات صحابه بر آن تأکید داشته‌اند.

وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَى شَفَا حُفْرَةٍ مِّنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُم مِّنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ (آل عمران ۱۰۳)؛ و همگی به ریسمان خدا چنگ زنید، و پراکنده نشوید و نعمت خدا را بر خود، به یاد آرید که چگونه دشمن یکدیگر بودید، و او میان دلهای شما، الفت ایجاد کرد، و به برکت نعمت او، برادر شدید و شما بر لبِ حفره‌ای از آتش بودید، خدا شما را از آن نجات داد؛ این چنین، خداوند آیات خود را برای شما آشکار می‌سازد؛ شاید پذیرای هدایت شوید.

عن رسول الله ﷺ و أخرج الطبرانی عن زيد بن أرقم قال قال رسول الله ﷺ انى لكم فرط و انكم واردون على الحوض فانظروا كيف تخلفوني فى الثقلين قيل و ما الثقلان يا رسول الله قال الأكبر كتاب الله عز و جل سبب طرفه بيد الله و طرفه بأيديكم فتمسكوا به لن تزالوا أو لا تضلوا و الأصغر عترتى و انهما لن يتفرقا حتى يردا

علی الحوض و سألت لهما ذاک ربی فلا تقدموهما لتهلکوا و لا تعلموهما فانهما
أعلم منکم (سیوطی، بی تا، ۶۰/۲)

مفهوم شناسی

محارم در لغت از ریشه "ح ر م" گرفته شده و جمع حرم و به معنای حرام است (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۱۲/۱۲) در اصطلاح فقه اسلامی به افرادی گفته می شود که با واسطه سبب یا رضاع و یا نسب خویشاوند هستند. ازدواج با محارم در اسلام حرام است (هاشمی شاهرودی: ۱۳۹۲-۱۳۹۵ش؛ فراهیدی: بی تا) و این حرمت یا به صورت تحریم ابدی برای ازدواج است (حلی، ۱۴۰۰: ۱/۳۵۹) یا به صورت موقت و گذرا که با استفاده از شرایط خاصی این حرمت برداشته می شود. وقتی حرمت ثبوت پیدا کرد قانون حجاب اسلامی که پوشاندن تمام بدن به غیر از صورت و مچ دست ها می باشد جاری نمی شود و می توانند زنان مقابل محارم خود حجاب اسلامی رعایت نکنند؛ البته حدود نگاه همسر با حدود نگاه به بقیه محارم متفاوت است (بنی هاشمی حسینی، ۱۳۸۵: ۱/۲۵۵).

اسباب تحریم و اقسام محارم

اسباب تحریم، سبب و نسب و رضاع است و بر همین اساس محارم هم به سه دسته محارم نسبی، نسبی و رضاعی تقسیم می شوند.

محارم نسبی

محارم نسبی کسانی هستند که از طریق خونی با یکدیگر خویشاوند هستند که یا از طریق نکاح صحیح یا وطی به شبهه خویشاوند می باشند (محقق حلی، ۱۳۷۷: ۲/۲۵۵) یا این سبب به صورت نامشروع ثبوت پیدا کرده هر یک از زن و مرد بواسطه خویشاوندی و نسب برهم حرام می شوند، البته نظر امامیه و فقهای شیعه و نظر مذاهب اهل سنت تفاوت هایی دارد که به ترتیب بیان خواهد شد. این اختلافات به تفاوت در اصول و مبانی فقهی میان مذاهب مختلف اسلامی باز می گردد.

امامیه با استناد به سوره نساء آیه ۲۳:

حُرِّمَتْ عَلَيْكُمْ أُمَّهَاتُكُمْ وَبَنَاتُكُمْ وَأَخَوَاتُكُمْ وَعَمَّاتُكُمْ وَخَالَاتُكُمْ وَبَنَاتُ الْأَخِ وَبَنَاتُ الْأُخْتِ (حرام شد بر شما (ازدواج با) مادران و دختران و خواهران و عمه‌ها و خاله‌ها و دختران برادر و دختران خواهر و مادران رضاعی و خواهران رضاعی و مادران زن و دختران زن)..

امیرالمؤمنین^{۱۱} در بیان آیات محکم قرآن فرمودند: ... و از جمله این آیات محکم، آیه: «حُرِّمَتْ عَلَيْكُمْ أُمَّهَاتُكُمْ وَبَنَاتُكُمْ وَأَخَوَاتُكُمْ وَعَمَّاتُكُمْ وَخَالَاتُكُمْ...» است. این آیه و آیات مشابه آن، محکم هستند و نیازی به تفسیر ندارند (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۴۱۱/۲۰).

محارم ناشی از نسب را به شرح زیر برشمرده‌اند:

۱. مادر هر چه که بالا رود یعنی مادر مادر، مادر مادر مادر مادر و...
 - مادر به زنی گفته می‌شود که مرد را به دنیا آورده و یا نسب آن مرد به زن چه از طریق پدر چه از طریق مادر می‌رسد به عبارتی مادر مادر بزرگ پدری و مادری هر چه که بالا رود حرام است و نمی‌توان با آن‌ها ازدواج کرد.
 ۲. دختر و نوه دختری و نوه دختری دختر هر چه که پایین رود.
 ۳. دختر پسر و هر چه که پایین رود. در مورد دختر دختر و دختر پسر اگر نسبش از طریق ولادت حتی با چند واسطه به شخص مورد نظر برسد حرمت محقق می‌شود (شهید ثانی، ۱۳۹۸: ۱۵۴/۵؛ نجفی الجواهری، ۱۳۹۱: ۲۳۸/۲۹؛ نساء: ۲۳).
 ۴. خواهر و دختر خواهر یعنی خواهرزاده هر چه که پایین رود.
 - خواهر کسی است که یا از پدر و مادر مرد متولد شده و یا فقط از یکی از پدر و مادر متولد شده و یا نسبش به پدر و مادر یا یکی از آن‌ها برسد.
 ۵. دختر برادر یعنی برادر زاده هر چه که پایین رود چه تنی باشد برادر چه ناتنی (شهید ثانی، ۱۳۹۸: ۱۵۴/۵؛ خمینی، ۱۳۸۸: ۲۳۸/۲).
 ۶. خاله و بالاتر
 ۷. عمه و بالاتر
- این حرمت دوطرفه خواهد بود. مثلاً اگر می‌گوییم مرد با دختر خود نمی‌تواند ازدواج کند

دختر هم با پدر خود نمی‌تواند ازدواج کند و یا اگر بگوییم زن نمی‌تواند با برادر خود ازدواج کند مرد هم نمی‌تواند با خواهرش ازدواج کند. امامیه و مذاهب اهل سنت در مورد محارم نسبی اتفاق نظر دارند و هردو به آیه ۲۳ سوره نساء استناد کرده‌اند.

محارم سببی

برخی از محرمیت‌ها به سبب مصاهره است:

مصاهره از ریشه "ص ه ر" به کسر صاد است و به معنای دامادی و به دامادی پیوستن است (این منظور، ۱۴۱۴: ۴/۴۷۱؛ جواهری، ۱۳۶۸: ۲/۷۱۷؛ فرقان: ۵۴)

مصاهره از نظر فقهی یعنی علاقه‌ای میان که به واسطه عقد نکاح پدید می‌آید و موجب حرمت می‌شود (نراقی، ۱۴۱۵: ۲۹۹؛ بحرانی، بی تا: ۲۳/۴۱۰ و ۴۵۵؛ طباطبایی، بی تا: ۱۶۵/۱۰؛ شهید ثانی، ۱۳۹۸: ۵/۱۷۶؛ جواهری، ۱۳۶۸: ۲/۴۵۵) قرآن به واژه صهر آن اشاره کرده است «وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ مِنَ الْمَاءِ بَشَرًا فَجَعَلَهُ نَسَبًا وَصِهْرًا وَكَانَ رَبُّكَ قَدِيرًا» (فرقان: ۵۴) (او کسی است که از آب، انسانی را آفرید؛ سپس او را [دارای] نسب و سبب قرار داد [و نسل او را از این دو طریق گسترش داد]؛ و پروردگار تو همواره توانا بوده است).

فقه‌ها مباحث نکاح را به سبب تعبیر می‌کنند زیرا به سبب نکاح محرمیت شکل می‌گیرد.

نظر فقه امامیه

محارم ناشی از مصاهره در نگاه فقهاء امامیه عبارتند از:

۱. زن پدر هرچه بالا رود مانند زن جد پدر و زن جد مادر بر پسر حرام می‌شود
۲. عروس هرچه پایین رود بر پدر مرد و پدر بزرگ او حرام می‌شود؛ حتی اگر عروس دختر انسان باشد یعنی زن نوه و با او دخول صورت نگرفته باشد به دلیل عموم آیه: «حَلَائِلُ أَبْنَائِكُمُ» «وَلَا تَنْكِحُوا مَا نَكَحَ آبَاؤُكُمْ مِنَ النِّسَاءِ» (نساء: ۳۲ و ۲۲؛ شهید ثانی، ۱۳۹۸: ۵/۱۷۶؛ خمینی، ۳۸۸: ۲/۲۸۸-۲۸۹).

۳. هم‌بستر شدن مرد با دختر چه حلال و حرام باشد مادر دختر بر مرد حرام ابدی است چه نزدیکی داشته باشند یا نداشته باشند. این مساله؛ به دلیل اطلاق سوره نساء در آیه ۲۳

اجماعی می‌باشد (شهید ثانی، ۱۳۹۸: ۱۷۶/۵؛ خمینی، ۳۸۸: ۲/۲۸۸-۲۸۹).

۴. صرف عقد دختر، مادر دختر حرام ابد می‌شود اگرچه با آن زن نزدیکی نکرده باشد و هرچه بالا رود.

۵. مردی که با زنی وطی کرده، دخترش به او حرام است.

۶. مردی که با زنی عقد کند ولی هم‌بستر نشود و دختر بر عاقد؛ مرد حرام نیست و بعد از طلاق زن می‌تواند با دختر ازدواج کند البته پیش از نزدیکی با مادر این حکم مورد اتفاق فقها می‌باشد (شهید ثانی، ۱۳۹۸: ۱۷۶/۵؛ خمینی، ۳۸۸: ۲/۲۷۷).

۷. خواهر همسر؛ که ازدواج با او ذاتاً حرام نمی‌باشد و اگر زن را طلاق دهد یا زن بمیرد می‌تواند با خواهر زن ازدواج کند که این مصداق حرمت موقت می‌باشد و جمع بین دو خواهر حرام است (شهید ثانی، ۱۳۹۸: ۱۸۰-۱۸۱/۵).

۸. جمع میان عمه و خاله با برادرزاده و خواهرزاده می‌توان کرد البته اگر عمه و خاله رضایت دهند در این مورد دو فرض وجود دارد:

الف) ابتدا با عمه و خاله ازدواج کند بعد با برادرزاده و خواهرزاده.

ب) ابتدا با برادرزاده یا خواهرزاده ازدواج کند بعد با عمه و خاله.

فرض اول منوط به اذن گرفتن از عمه و خاله است و اگر بدون اذن عمه و خاله با خواهرزاده و برادرزاده ازدواج کند سه احتمال به وجود می‌آید:

-عقد دوم باطل است.

-عقد دوم معلق به رضایت عمه و خاله است و اگر عمه و خاله بخواهند عقد دوم فسخ شود عقد باطل می‌شود.

عمه و خاله مخیر هستند که عقد خود را باطل کنند یا عقد خواهرزاده و برادرزاده را.

گزینه میانی موجه‌تر می‌باشد. در فرض دوم اگر اول برادرزاده یا خواهرزاده را عقد کند و بعد عمه و خاله را، اگر عمه و خاله در جریان باشد می‌توان جمع کرد بین دو عقد ولی اگر عمه و خاله آگاه نباشد از این که مرد قصد ازدواج با آن‌ها را داشته سه احتمال وجود دارد.

۱. می‌توانند عقد خودشان را فسخ کنند.

۲. می‌توانند عقد خودشان یا عقد خواهرزاده و برادرزاده را فسخ کنند.
۳. عقد خودشان خود به خود باطل می‌شود. احتمال اول موجه‌تر می‌باشد (شهید ثانی، ۱۳۹۸: ۱۸۱/۵ - ۱۸۲).
۹. زنی که با او وطی به شبهه شده بر پدر وطی کننده و بر فرزند او حرام می‌شود و دختر زنی که بر او وطی شده بر پدر و بر فرزند او حرام است (شهید ثانی، ۱۳۹۸: ۱۸۲/۵).
۱۰. ازدواج کردن پدر با زنی که پسرش او را لمس کرده و نگریسته که به صورت حلال صورت گرفته کراهت دارد ازدواج پسر با زنی که پدرش او را لمس کرده یا نگریسته حرام است (شهید ثانی، ۱۳۹۸: ۱۸۲/۵؛ نساء: ۲۲).

نظر مذاهب اهل سنت

- محارم ناشی از مصاهره در نگاه فقهاء اهل سنت عبارتند از:
۱. اتفاق بر سر این که همسر پدر بر پسر به پائین حرام است هر چند پدر به آن زن دخول نکرده باشد. مستند این حکم سوره نسا ایه ۲۲ است. «وَلَا تَنْكِحُوا مَا نَكَحَ آبَاؤُكُمْ مِنَ النِّسَاءِ إِلَّا مَا قَدْ سَلَفَ إِنَّهُ كَانَ فَاحِشَةً وَمَقْتًا وَسَاءَ سَبِيلًا» (و نکاح مکنید زن پدر را (بعد از این حکم) الا آنچه از پیش کرده‌اید، زیرا این کاری است زشت و مبعوض (خدا) و بد راه و رسمی است).
۲. اتفاق نظر بر این مسأله که عروس بر پدر به بالا حرام است هر چند فرزند دخول نکرده

باشد مستند

حُرِّمَتْ عَلَيْكُمْ أُمَّهَاتُكُمْ وَبَنَاتُكُمْ وَأَخَوَاتُكُمْ وَعَمَّاتُكُمْ وَخَالَاتُكُمْ وَبَنَاتُ الْأَخِ وَبَنَاتُ الْأُخْتِ وَأُمَّهَاتُكُمُ اللَّاتِي أَرْضَعْنَكُمْ وَأَخَوَاتُكُمُ مِنَ الرَّضَاعَةِ وَأُمَّهَاتُ نِسَائِكُمْ وَرَبَائِكُمُ اللَّاتِي فِي حُجُورِكُمْ مِنْ نِسَائِكُمُ اللَّاتِي دَخَلْتُمْ بِهِنَّ فَإِنْ لَمْ تَكُونُوا دَخَلْتُمْ بِهِنَّ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ وَحَلَائِلُ أَبْنَائِكُمُ الَّذِينَ مِنْ أَصْلَابِكُمْ وَأَنْ تَجْمَعُوا بَيْنَ الْأُخْتَيْنِ إِلَّا مَا قَدْ سَلَفَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُورًا رَحِيمًا؛ حرام شد بر شما (ازدواج با) مادران و دختران و خواهران و عمه‌ها و خاله‌ها و دختران برادر و دختران خواهر و مادران رضاعی و خواهران رضاعی و مادران زن و دختران زن که در دامن شما تربیت شده‌اند اگر با آن زن مباشرت کرده باشید، و اگر دخول با آن زن نکرده

(طلاق دهید) باکی نیست (که با دختر او ازدواج کنید). و نیز حرام شد زن فرزندان صلبی و نیز حرام شد جمع میان دو خواهر مگر آنچه پیش از نزول این حکم کرده‌اید (که خدا از آن درگذشت) که خدا (در حق بندگان) بخشنده و مهربان است (نساء: ۲۳).

۳. اتفاق بر اینکه مادر زن به بالا حتی اگر دخول نکرده باشد.

۴. اتفاق نظر در این مسأله که اگر با همسر فقط لمس و نگاه باشد می‌تواند با دخترش ازدواج کند ولی اگر مرد بر زن دخول کند دیگر با دختر نمی‌تواند ازدواج کند.

۵. اما در جایی که عقد کرده زن را ولی دخول نکرده اما نگاه و لمس شهوت‌آمیز داشته‌است اختلاف وجود دارد. امامیه و شافعیه و حنابله می‌گویند دختر فقط در صورت دخول حرام می‌شود و نگاه و لمس اثری ندارد چه شهوت‌آمیز چه غیر آن. حنفیه و مالکیه می‌گویند لمس و نگاه شهوت‌آمیز مثل دخول موجب حرمت می‌شود. اختلاف دیگر این است که سبب مصاهره را امامیه هم ازدواج دائم و موقت می‌دانند ولی مذاهب اهل سنت ازدواج موقت را سبب مصاهره نمی‌دانند و به آن اعتقادی ندارند. و فقط ازدواج دائم را سبب نشر حرمت می‌دانند.

نکته: وطی به شبهه در اثبات نسب و حرمت‌های مصاهره مثل حکم ازدواج صحیح است (مغنیه، ۱۴۰۲: ۱/ ۳۰۸-۳۰۹-۴۰۷؛ نساء: ۲۳).

دلیل اختلاف در وطی به شبهه در شیعه و سنی به شرح زیر می‌باشد:

آرای کلی فقها

به طور کلی، می‌توان گفت که فقها در مورد وطی به شبهه به دو دسته تقسیم می‌شوند: اندیشمندان سنت معتقدند که اگر شبهه قوی و قابل توجیه باشد، وطی به شبهه حرام نیست و احکام نکاح بر آن جاری می‌شود. این دسته بر این باورند که فردی که در شبهه به سر می‌برد، نمی‌تواند به خاطر اشتباهش مجازات شود (حلی، ۱۴۲۵: ۱۸۷/۲).

عالمات شیعه بر این باورند که حتی اگر شبهه قوی باشد، وطی به شبهه حرام است و فرد مرتکب گناه شده است. چرا که فرد باید قبل از انجام عمل، احتیاط لازم را به عمل آورد و از وقوع چنین اشتباهی جلوگیری کند (حرعاملی، ۱۴۰۹: ۶۶/۲۸).

۶. مرد نمی‌تواند جمع بین دو خواهر بکند، زیرا حرام است یعنی مرد نمی‌تواند با خواهر زنش هم ازدواج کند و تنها در صورتی این امر جایز است که همسرش را طلاق دهد یا همسرش فوت کند (همان) دلیل آن آیه‌ی قرآن است. «أَنْ تَجْمَعُوا بَيْنَ الْأُخْتَيْنِ» (جمع بین دو خواهر حرام است).

اگر با دو خواهر ازدواج کند و هم‌زمان آن‌ها را عقد و با هر دو آمیزش کند هر دو بر مرد حرام ابد می‌شوند زیرا آمیزش با عقدی بوده که باطل بوده است (نساء: ۲۳) اگر دو خواهر را با یک عقد به همسر گیرد باطل می‌شود آن عقد و هیچ‌کدام بر دیگری اولویت ندارد و هر دو زن عقدشان باطل می‌شود (نجفی، ۱۳۹۱: ۲۹/۲۸۳) و مرد می‌تواند بین آن دو مخیر باشد و البته این مسئله اختلافی است.

فتاوی فریقین در مورد محارم سببی

هر دو مذهب شیعه و سنی بر حرمت ازدواج با محارم سببی تأکید دارند. اما در جزئیات احکام و برخی موارد، اختلافاتی وجود دارد.

در فقه فقیهان شیعی، محارم سببی به تفصیل بررسی شده است و احکام مربوط به هر یک از آن‌ها مشخص شده است. فقهای شیعه بر این باورند که ازدواج با محارم سببی حرام و گناه کبیره است. همچنین، برخی از احکام دیگر مانند حجاب و نگاه کردن به محارم سببی در فقه شیعه بیان شده است (نجفی، ۱۳۶۲: ۲۹/۳۴۹).

در مذاهب مختلف سنی نیز محارم سببی به عنوان یکی از موانع ازدواج شناخته شده است. فقهای سنی نیز بر حرمت ازدواج با محارم سببی تأکید دارند و احکامی مشابه فقه شیعه در این زمینه دارند (الشربینی، بی‌تا: ۳۹۵).

دلیل آنان حفظ حرمت خانواده، حفاظت از حقوق زنان، تامین آرامش روانی می‌باشد. فقهای شیعه و سنی با استناد به آیات قرآن و روایات اهل بیت، به این نتیجه رسیده‌اند که ایجاد محرمیت سببی، امری ضروری و منطقی است.

محارم سببی

محارم سببی به افرادی گفته می‌شود که به دلیل ازدواج با یکی از اعضای خانواده، با سایر اعضای آن خانواده محرم می‌شوند. به عبارت دیگر، این نوع محرمیت از طریق پیوند زناشویی ایجاد می‌شود و ریشه در خویشاوندی خونی ندارد.

محارم رضاعی

همان‌گونه که نسب و سبب باعث حرمت و عدم ازدواج برخی افراد می‌شود رضاع هم احکامی دارد که اگر آن احکام و شرایط ایجاد شود باعث نشر حرمت می‌شود و دانستن احکام باعث جلوگیری از ازدواج‌های حرام می‌شود. رضاع در لغت به معنای نوشیدن شیر از پستان انسان و گاو و گوسفند و... می‌باشد (فراهیدی، بی‌تا: ۱/۲۱۷). رضاع در اصطلاح فقهی به معنای شیر دادن زن به نوزاد می‌باشد که باعث حرمت می‌شود و به این محارم؛ محارم رضاعی گفته می‌شود (محقق حلی، ۱۳۷۷: ۲/۲۶۶). اندیشمندان شیعه و سنت اتفاق دارند آنچه به نسب حرام است به واسطه رضاع هم حرام است (شهید ثانی، ۱۳۸۶: ۵/۱۵۵؛ مغنیه، ۱۴۰۲: ۳۱۶). رضاع یا شیرخوارگی، در اسلام و بسیاری از فرهنگ‌ها، به معنای تغذیه نوزاد از شیر زن دیگری به غیر از مادر طبیعی اوست. این عمل علاوه بر تأمین تغذیه نوزاد، به عنوان یکی از عوامل ایجاد محرمیت شناخته می‌شود و بر روابط خانوادگی و اجتماعی افراد تأثیرگذار است.

رضاع یکی از موضوعات مهم در فقه اسلامی است که بر روابط خانوادگی و اجتماعی افراد تأثیرگذار بوده است. شناخت احکام مربوط به رضاع به مسلمانان کمک می‌کند تا به نحو احسن به وظایف دینی خود عمل کنند.

مادر رضاعی کسی است که نوزادی را شیر دهد. وی مادر آن زن شده و مادر شوهر آن زن هم مادر رضاعی محسوب می‌شوند. خاله رضاعی کسی است که خواهر مرضعه می‌شود و برادران مرضعه دایی نوزاد می‌شوند و پدر مرضعه پدر بزرگ نوزاد می‌شود. برادر رضاعی و خواهر رضاعی فرزندان زن شیرده هستند. دختر رضاعی هر زنی است که از شیر کسی خورده یا از شیر عروس وی خورده باشد و یا از شیر دختر وی چه نسبی و چه

رضاعی خورده باشد.

عمه و خاله‌های رضاعی نوزاد عبارت‌اند از: خواهر مرد صاحب شیر، خواهران زن شیرده و جد نسبی زن شیرده یا جد رضاعی او، عمه و خاله رضاعی نوزاد محسوب می‌شوند. خواهرزاده رضاعی کسی است که دختران فرزندان زن شیرده، دختران فرزند صاحب شیر چه اولاد نسبی باشند چه رضاعی باشند و هر زنی که دختر یا خواهرتان به او شیر داده است. برادرزاده رضاعی کسی است که دختران هر مردی که مادرش او را شیر داده و یا از شیر پدر وی خورده است (شهید ثانی، ۱۳۸۶: ۵/ ۱۵۴).

شرایط تحریم رضاع

رضاع شرایطی دارد که باعث نشر حرمت می‌شود. احکام رضاع بر اساس فقه امامیه عبارت است از:

شرط اول: شیر زن از نکاح موقت، دائم، ملک یمین ز (نی که کنیز مرد است که با او وطی کرده) ایجاد می‌شود. حالا اگر وطی به شبهه باشند یعنی هردو گمان کرده‌اند که بهم حلالند اما در اصل این طور نبوده، اگر وطی به شبهه از هردو طرف باشد حکم رضاع جاری می‌شود ولی اگر گمان وطی به شبهه از یک طرف باشد حکم رضاع در حق کسی که نسب برای وی ثابت است جاری می‌شود. با توجه به این شرایط اگر شیر از وطی حلال نباشد حکم رضاع ثبوت پیدا نمی‌کند چه این شیر از زن صغیره، کبیره یا باکره یا غیره باشد.

شرط دوم: شیر از زنی باشد که حامله است. پس اگر زن شیرده حامله نباشد شیردادن او موجب نشر حرمت رضاع نمی‌شود (شهید ثانی، ۱۳۸۶: ۵/ ۱۵۵-۱۵۶).

شرط سوم: زن شیرده باید زنده باشد پس اگر در میان شیردهی از دنیا برود و شیردادن او به حدنصاب نرسد رضاع محقق نشده (شهید ثانی، ۱۳۸۶: ۵/ ۱۵۶).

شرط چهارم: بر اثر شیر خوردن گوشت در کودک بروید و استخوانش محکم شود و اهل خبره باید به تحقق آن شهادت دهند و عادل باشند (شهید ثانی، ۱۳۸۶: ۵/ ۱۵۵-۱۵۶). یا اینکه پانزده بار به او شیر دهد که شرط اصلی این است که پشت سرهم شیردهد. پس اگر در خلال

شیردهی شیرزن دیگر به او بدهند رضاع محقق نمی‌شود (شهید ثانی، ۱۳۸۶: ۱۵۷/۵).

شرط پنجم: کودک زیر دوسال باشد. پس اگر دوسالش تمام شده باشد مثلاً دوسال و دو ماهش باشد شیردهی موجب تحریم رضاع نمی‌شود. البته ممکن است به فرزند نسبی خود بالای دوسال شیر دهد و با آن شیر به نوزاد دیگری که زیر دوسال است شیر دهد و باعث نشر حرمت می‌شود. ملاک دوسال قمری می‌باشد یعنی بیست و چهار ماه تمام بگذرد (شهید ثانی، ۱۳۸۶: ۱۵۷/۵).

بر اساس قرآن کریم (بقره: ۲۳۳؛ اردبیلی، بی‌تا: ۵۶۸) حق شیردادن نوزاد در حال شیرخوارگی مخصوص مادر می‌باشد باید دوسال باشد. هزینه شیردادن برعهده پدر است و اگر اختلافی زن و مرد دارند یا طلاق گرفته‌اند نباید به نوزاد ضرر برسد. این آیه، به نام آیه رضاع خوانده می‌شود.

شرط ششم: در میان شیر خوردن بچه از شیر زن دیگر یعنی از پستان زنی دیگر شیر نمکند، زیرا باعث عدم نشر حرمت رضاع می‌شود ولی جایز است در خلال شیردهی به بچه آب یا غذا و یا شیر زن دیگر به وسیله مکیدن فقط نباشد خورنده شود. برای مثال شیر زن دیگر را به وسیله شیشه شیر به نوزاد بدهند خللی در نشر حرمت رضاع وارد نمی‌کند و رضاع محقق می‌شود.

شرط هفتم: شیر از یک شوهر ایجاد شده باشد پس اگر زن از شیر شوهر اول پسری را شیر دهد و از شیر شوهر دوم پسر دیگری را و به همین ترتیب ادامه دهد. بچه‌ها برادر رضاعی نمی‌شوند زیرا صاحب شیر-پدر رضاعی-مختلف هستند ولی اگر از شیر یک شوهر دختر و پسری را شیر دهد آن دو خواهر و برادر رضاعی می‌شوند. پس باید صاحب شیر یک مرد باشد. اما اگر مردی چند همسر موقت، دائم و یا ملک یمین داشته باشد، اگر همه زنان شیرده باشند حکم رضاع جاری می‌شود (شهید الثانی، ۱۳۸۶: ۱۶۵/۵) طبرسی می‌گوید: «همین‌که زن یکی باشد حتی اگر از شوهرهای متفاوت شیر بدهد کفایت می‌کند و میان آن بچه‌ها حکم خواهر و برادر رضاعی جاری می‌شود و ایجاد حرمت برای ازدواج آن‌ها شکل می‌گیرد». ولی در این مورد روایاتی برخلاف آن آمده است (شهید الثانی، ۱۳۸۶: ۱۶۸/۵).

با توجه به شرایطی که گفته شد رضاع محقق شده و زن شیرده مادر کودک می‌شود و صاحب شیر پدر او محسوب می‌شود و فرزندان آنها خواهر و برادر رضاعی و خواهران برادران

آنها، عمو، خاله، دایی و عمه محسوب می‌شوند؛ بنابراین پدرنسی کودک شیرخوار نمی‌تواند با فرزندان نسبی یا رضاعی مردی که صاحب شیر است ازدواج کند. چون فرزندان صاحب شیر، خواهر برادران نسبی فرزند نسبی پدر شیرخوار می‌شود و عنوان خواهر و برادر بر آنها صدق می‌کند و پدر شیرخوار خواهر برادران رضاعی نوزاد خود حرام هستند زیرا قاعده آنچه بر نسب حرام است بر رضاع هم حرام است، این جا جاری می‌شود و علت حرام بودن آنها بر پدر کودک ایشان اخوه الولد هستند. روایاتی هم این مسئله را تصریح می‌کند که فرزند صاحب شیر به منزله فرزند پدر کودک شیرخوار است. همچنین پدر کودک شیرخوار نمی‌تواند با فرزندان نسبی زن شیرده ازدواج کند به دلیل روایتی از عبدالله بن جعفر می‌گوید: «به امام حسن عسکری^{۱۱} نوشتم که زنی فرزند مردی را شیر داد آن مرد می‌تواند با دختر این زن ازدواج کند؟ امام در پاسخ نوشتند که آن دختر بر او حلال نیست» صحیفه ایوب بن نوح هم این مسئله را تصریح می‌کند: «فرزندان آن زن به منزله فرزندان تو شده‌اند». پس پدر کودک شیرخوار نمی‌تواند با فرزند نسبی مرضعه ازدواج کند.

حرام بودن اولاد صاحب شیر: حکم اولاد زن بر پدر کودک شیرخوار این است که اگر زید با بکره ازدواج کند و فرزندش عمرو شود و عمرو را مادر یا مادر بزرگ بکره شیر دهد، خواه این شیر مربوط به پدر یا پدر بزرگ بکره باشد خواه نباشد، پس شیردادن کودک بکره بر زید حرام می‌شود و ازدواجشان باطل است. چون بکره فرزند نسبی مرضعه است و فرزند نسبی مرضعه بر پدر مرتضع که زید است حرام می‌شود (همان)

شرط هشتم: برادران و خواهران نسبی کودک شیرخوار می‌توانند با برادران و خواهران رضاعی او ازدواج کنند زیرا برادری و خواهری میان آنها محقق نشده‌است.

مثال: اگر پدر زید پسری به نام بکر دارد و مادرها مختلف هستند مادر زید دختری دارد که پدرش غیر پدر زید است بکر و آن دختر خواهر زید هستند ولی این دو بر هم محرم نیستند و نسبت برادر و خواهری ندارند فلذا می‌توانند با هم ازدواج کنند (شهید الثانی، ۱۳۸۶: ۵/ ۱۷۱)

شرط نهم: شخصی که دو زن دارد یکی کبیره و دیگری صغیره اگر همسر کبیره به صغیره شیردهد اگر به همسر کبیره دخول کرده باشد هر دو بر شوهر حرام ابد می‌شوند ولی اگر دخول

نکرده باشد بر همسر کبیره فقط همسر کبیره حرام ابد می شود ولی نکاح هردو باطل است (شهید الثانی، ۱۳۸۶: ۵/۱۷۱-۱۷۲)

شرط دهم: شهادت باید به رضاع به تفصیل باشد. مثلاً: گفتن زید و بکره برادر و خواهر رضاعی هستند و برهم حرامند کفایت نمی کند چون اختلاف میان فقها وجود دارد. برخی قائل به پانزده مرتبه شیردادن هستند و برخی به ده بار پس امکان دارد رای شاهد و حاکم مخالف باشد در نتیجه اگر اینطور شهادت ندهد و نگوید که با نظر ده بار یا پانزده بار موافق است نمی توان گفت حرمت رضاع محقق شده است (شهید الثانی، ۱۳۸۶: ۵/۱۷۳؛ نجفی، ۱۳۹۱: ۲۹/۳۴۴ و ۳۶۶)

مستحبات و مکروهات مادر رضاعی

پس از بیان احکام وجوب و حرام اکنون به مستحبات و مکروهات پرداخته می شود. مستحبات و مکروهاتی برای زن شیرده وجود دارد اگر آن ها رعایت شود بسیار مفیدتر خواهد بود.

۱. مستحب است برای شیر دادن بچه زن شیرده عاقل مسلمان پاکدامن زیباروی خوش اخلاق باشد زیرا در متون دینی شیعه تاکید شده که این شرایط در حالات و رفتار نوزاد تاثیر می گذارد. پیامبر اکرم (ع) می فرماید: «من فصیح ترین عرب هستم. چون از طایفه قریش هستم و در قبیله بنی سعد رشد یافته و از عشیره بنی زهره شیر خوردم». این قبایل فصاحت داشتند پیامبر به شیری که از قبیله بنی زهره خورده مباحات می کند.

۲. اگر ضرورت پیش بیاید زن کافر هم می تواند شیر دهد و کراهتی هم ندارد. ولی اگر ضرورت وجود ندارد مکروه است و گفته اند برخی فقها که این کار در ضرورت نیز حرام است. اگر این امر ضرورت پیدا کند زن شیرده را از خوردن گوشت خوک و نوشیدن شراب منع می کند.

۳. فرستادن بچه به خانه زن کافر ذمی مکروه و خانه زن مجوسی مکروه تر است. نیز کراهت دارد شیر زن از زنا به وجود آمده باشد و بچه از آن شیر بخورد در این مورد امام باقر (ع) می فرماید: «شیر زن یهودی نزد من محبوب تر از شیر فرزند زناست» (شهید الثانی، ۱۳۸۶: ۵/۶۶-۱۶۷)

احکام رضاع براساس مذاهب اهل سنت

پس از بیان نظرات فقهای شیعه حال به نظرات مذاهب اهل سنت پرداخته می شود. اهل سنت و شیعه همان گونه که گفته شده اتفاق دارند بر قاعده آنچه بر نسب حرام است بر رضاع هم حرام است (مغنیه، ۱۴۰۲: ۱/۳۱۷).

نظرات مذاهب اهل سنت به شرح زیر می باشد:

۱. کودک باید از شیر زن بخورد درغیراین صورت موجب تحریم نمی شود (همان، ۳۱۷؛ بحریمی، ۲۰۰۷م؛ بغوی، ۱۴۰۳: ۷/۹)
۲. زن شیرده کمتر از نه سال نباشد زیرا موجب نشر حرمت رضاع نمی شود (بغوی، ۱۴۰۳: ۷۹/۹؛ مغنیه، ۱۴۰۲: ۱/۳۱۶) مالکیه در این باره می گوید دختر زیر نه سال هم می تواند به نوزاد شیر بدهد و موجب نشر حرمت رضاع می شود.
۳. در فقه حنفی اگر شیر زن از جانب شوهر به وسیله وطی نباشد یا از شوهرش دارای فرزند نیست ولی طفل را شیر دهد موجب نشر حرمت رضاع می شود (بحریمی، ۲۰۰۷: ۱/۳۱۸).
۴. در فقه حنفی و مالکی و حنابله لازم نیست که زن زنده باشد. بلکه اگر زنی فوت کند می توان از شیر او به کودک شیر خوراند و سبب نشر حرمت می شود. اما شافعی معتقد است که زن باید زنده باشد تا حرمت رضاع حاصل شود (جزیری، ۱۴۲۴: ۴/۲۵۵ - ۲۵۴؛ مغنیه، ۱۴۰۲: ۱/۲۱۸)
۵. شیر اگر توسط راه های دیگر غیر از مکیدن پستان زن به شیرخوار برسد. مثل شیشه یا ریختن در دهان و بینی حتی اگر طفل خواب باشد نشر حرمت ایجاد می شود. زیرا ملاک روییدن گوشت و محکم شدن استخوان است (همان)
۶. شیرخوار نباید بیش از دو سال داشته باشد. مالکیه دو سال و دو ماه را با هم جایز می داند و حرمت را جاری می شود. ابوحنیفه تا دو سال و نیم را جایز می داند (وزارت اوقاف و شئون اسلامی کویت، ۱۳۹۶: ۲۲/۲۴۲) شافعی و حنابله معتقدند که نباید طفل بیش از دو سال سنش بالاتر رود. بعد از دو سال اگر شیر دهد موجب نشر حرمت نمی شود (مغنیه، ۱۴۰۲: ۴/۳۱۴).
۷. شیر باید خالص باشد و مخلوط با مایع دیگر نباشد ولی اگر اوصاف شیر از بین نرود

موجب تحریم می‌شود و اگر اوصاف شیر زایل شد حرمت جاری نمی‌شود، در این موضوع اختلافاتی بین اهل سنت وجود دارد. حنفیه و مالکیه قائل به عدم تاثیر هستند اما شافعی می‌گوید: «اگر شیر و مقداری به معده کودک برسد موجب نشر حرمت می‌شود» (وزارت اوقاف و شئون اسلامی کویت، ۱۳۹۶: ۲۲/ ۲۴۳) حنابله می‌گویند: «اگر شیر با غذایی مخلوط شود حرمت حاصل نخواهد شد».

۸. دفعات شیر دادن باید پنج مرتبه باشد و مذاهب اختلافی در آن ندارند ولی کمتر از پنج بار اختلاف وجود دارد که به شرح زیر است:

حنفیه و مالکیه با استناد به روایتی از احمد کثیری از صحابه معتقد می‌گویند: «با یک بار مکیدن رضاع حاصل می‌شود. همین که شیر به معده کودک برسد کفایت می‌کند». حنابله و شافعیه قائل هستند این گونه رضاع حاصل نمی‌شود بلکه پنج بار شیر خوردن باید انجام شود. برخی می‌گویند: «تعدد شیر به عرف بستگی دارد و غلط است در مورد رضاع ملاک را عرف قرار داد. بلکه ملاک شرع است همان گونه که در قرآن و روایات آمده است» (همان: ۲۴۲؛ مغنیه، ۱۴۰۲: ۱/ ۳۱۷-۳۱۸).

علت اصلی اختلاف در فتوای اهل سنت و امامیه در مورد رضاع (شیر خوردن نوزاد از زن دیگری)، به چند عامل اصلی برمی‌گردد:

- روش استنباط: هر دو مذهب از قرآن و سنت به عنوان منابع اصلی فقهی استفاده می‌کنند، اما روش استنباط و وزن دادن به روایات و اجتهادات فقها در هر دو مذهب متفاوت است. این تفاوت در روش استنباط، به اختلاف در فتوای مربوط به رضاع منجر شده است.

- تفاوت در روایات: هر یک از مذاهب، به مجموعه روایاتی دسترسی دارند که ممکن است در برخی موارد با روایات مذهب دیگر متفاوت باشد. این تفاوت در روایات نیز می‌تواند به اختلاف در فتواها بیانجامد.

- اهمیت برخی مسائل: هر یک از مذاهب، ممکن است به برخی مسائل فقهی اهمیت بیشتری بدهند. مثلاً در مسئله رضاع، امامیه به اثرات شیر بر بدن کودک و رشد او اهمیت بیشتری می‌دهند، در حالی که اهل سنت ممکن است به تعداد دفعات شیر خوردن یا مدت

زمان شیردهی بیشتر توجه کنند.

رضاع کبیر

رضاع کبیر از نظر بعضی از روایات در اهل سنت به روشی برای ایجاد محرمیت گفته می‌شود. یعنی مرد اجنبی می‌تواند از شیر زن اجنبی بخورد و باعث ثبوت محرمیت و ایجاد رضاع بشود. این حالت از رضاع در میان برخی منابع اهل سنت دیده شده ولی شیعه به هیچ عنوان این مساله را قبول نکرده و در هیچ یک از کتب روایی شیعه این موضوع مطرح نشده است. فردی به نام داود ظاهری از اهل سنت این روایت را قبول کرده و رضاع از این طریق را جایز می‌داند (سبحانی، بی‌تا: ۱/ ۲۸۸) فتوای برخی از اهل سنت بنابر روایتی از عایشه است. این روایت به شرح زیر می‌باشد:

مردی به نام ابوحنظیفه همسری به نام سهله و پسرخوانده‌ای به نام سالم داشت. وقتی آیه «ادعوهم لابائهم...» نازل شد یعنی پسرخوانده معنا ندارد ابوحنظیفه به سالم گفت: تو دیگر پسر ما نیستی ولی سالم از جهت علاقه‌ای که به این خانواده داشت نزد آنها می‌آمد و گاهی سهله تنها بود و همسرش ابوحنظیفه از این موضوع ناراحت می‌شد، لذا خدمت پیامبر رسید مشککش را عرض کرد پیامبر فرمود: «از شیر خودت به او بده و ضعیف گفت سالم کبیر است چگونه می‌توان به او شیر داد پیامبر ص فرمود: «می‌دانم او بزرگ است ولی جواب همان بود که گفتم» (نیشابوری، بی‌تا: ۲/ ۱۰۷۶؛ ابن حنبل، بی‌تا: ۱/ ۱۳۰؛ بیهقی، بی‌تا: ۷/ ۴۵۹). عایشه طبق همین روایت هر مردی که با او تکلم می‌کرد را از شیر دختر برادر یا دختر خواهرش شیر می‌داد تا به او محرم شود. ولی همسران پیامبر برخلاف عایشه اجماع داشتند و این روایت را قبول نداشتند و این مسئله از نظر همسران دیگر پیامبر نیز جایز نبود (بیهقی، بی‌تا: ۷/ ۴۵۹) این روایت در صحیح بخاری به صورت ناقص تا آیه ادعوهم لابائهم آمده اما در پاورقی مابقی روایت در کتب دیگر ذکر شده است و توجیهی در مورد این روایت آمده که می‌گوید این روایت منسوخ شده و یا این که این حدیث مخصوص همان افرادی است که پیامبر فرمودند. در حال حاضر مذاهب اهل سنت این مسئله را قبول ندارند و در برابر سوال‌ها و ایرادهایی که

راجع به رضاع کبیر از آنها به آنها وارد می‌شود، توجیه می‌آورند و جواب‌های نقض ارائه می‌کنند و می‌گویند: «عایشه در این موضوع خطا کرده و اشتباهی این مسئله را مطرح نموده‌است». اما صاحب‌الفقه علی‌المذاهب الخمسه می‌گوید: «این امر سبب محرمیت می‌شود حتی اگر مرد نامحرم زن نامحرم را لمس کند».

نقد و بررسی رضاع کبیر

در طول تاریخ، رضاع کبیر همواره مورد نقد و بررسی قرار گرفته است. بسیاری از علما و اندیشمندان اسلامی، این مسئله را دارای اشکالات و تناقضاتی می‌دانند. برخی از مهم‌ترین انتقادات عبارتند از:

- تضاد با فطرت: برخی معتقدند که ایجاد محرمیت به صورت مصنوعی و با شیر دادن، با فطرت انسانی در تضاد است.
- ابهام در روایات: روایات مربوط به رضاع کبیر، دارای ابهامات و تناقضاتی است که تفسیر آن‌ها را دشوار می‌سازد.
- سوءاستفاده از این حکم: در طول تاریخ، از این حکم برای اهداف سیاسی و شخصی سوء استفاده شده است.

افرادی که به واسطه رضاع محرم می‌شوند عبارتند از:

۱. مادر. خواه مستقیم یا به واسطه پدر زوجه باشد و جده پدری یا مادری هرچه بالا رود.
 ۲. دختر. منظور دختر صلبی است، خواه با واسطه یا با واسطه باشد. بنابراین شامل نوه پسری دختری هرچه پایین رود می‌شود.
 ۳. خواهر. خواه پدر و مادری یا پدری یا مادری باشد.
 ۴. دخترخواهر هر چند پایین رود. خواه پدر و مادری یا پدری یا مادری باشد.
 ۵. دختر برادر هر چند پائین رود. خواه پدر و مادری یا پدری یا مادری باشد.
 ۶. عمه. خواه خواهر پدر و مادری پدر یا خواهر پدری پدر و یا خواهر مادری پدر باشد.
- اما عمه عمه، محرم نیست مگر این‌که این عمه خودش خواهر پدر یا مادری پدر یا خواهر

پدری پدر باشد اما اگر خواهر مادری پدر باشد عمه او محرم نیست.
۷. خاله‌ها. خواه خواهران پدری و مادری مادر یا خواهران پدری یا مادری باشند اما خاله‌های خاله در صورتی محرم هستند که خواهران پدر و مادری مادر بزرگ‌ها یا خواهران مادری آنها باشد اما اگر خواهران پدری آنها باشند محرم نیستند (خمینی، ۱۳۸۸: ۲/۲۸۸؛ محقق حلی، ۱۳۷۷: ۲/۲۸۸-۲۲۹).

نتیجه

همان‌گونه که بحث شد اندیشمندان شیعه و سنت در مورد محارم نسبی اتفاق نظر داشتند. در مورد محارم سببی مصاهره در مواردی اتفاق و در موارد اختلاف وجود دارد و مورد اختلافی این است که مرد زن را عقد کرده ولی دخول انجام نشده و چه نگاه محبت‌آمیز و لمس داشته است. امامیه و شافعیه و حنابله، حرمت را منوط به دخول کرده‌اند و نزد آنان نگاه و لمس اثری ندارد ولی حنفیه و مالکیه لمس و نگاه شهوت‌آمیز را مثل دخول موجب حرمت می‌دانند. اختلاف دیگر این است که سبب مصاهرت را امامیه هم ازدواج دائم و موقت می‌دانند ولی مذاهب اهل سنت ازدواج موقت را سبب مصاهرت نمی‌دانند و فقط ازدواج دائم را سبب نشر حرمت می‌دانند.

در رضاع اختلافات بیشتری در کنار مشترکات دیده می‌شود. از جمله: امامیه به پانزده بار شیر خوردن برای ایجاد رضاع حکم دادند ولی مذاهب اهل سنت یک مقداری شیر یا پنج بار شیر دادن را سبب نشر حرمت ناشی از رضاع می‌دانند. البته حنفیه و مالکیه معتقد هستند با یک بار مکیدن رضاع حاصل می‌شود. نیز اگر شیر از غیر مکیدن پستان زن به شیرخوار برسد و یا حتی اگر طفل خواب باشد نشر حرمت ایجاد می‌شود. همچنین در فقه حنفی و مالکی و حنابله لازم نیست که زن زنده باشد. بلکه اگر زنی فوت کند می‌توان از شیر او به کودک شیر خوراند و سبب نشر حرمت می‌شود. اما شافعی معتقد است که زن باید زنده باشد تا حرمت رضاع حاصل شود. رضاع کبیر هم از نظر بعضی از اهل سنت به عنوان روشی برای ایجاد محرمیت مطرح شده است. که البته شیعه آن را نپذیرفته و با علل حرمت که روئیدن استخوان و گوشت باشد؛ منافی می‌دانند.

کتابنامه

قرآن کریم.

- ابن حنبل، احمد، مسند احمد، بیروت، مؤسسه ارساله، چاپ دوم، بی تا.
- ابن منظور، محمد بن بکر بن علی، لسان العرب، بیروت، دار صا، ۱۴۱۴ق.
- اردبیلی، محقق مقدس، زبدة البیان فی احکام القرآن، تهران، مرتضوی احیا آثار جعفری، بی تا.
- امام خمینی، سید روح الله، تحریر الوسیله، با تحقیق عباس ظهیری، قم، ناشر مؤسسه و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۸.
- بجریمی، سلیمان بن محمد، حاشیه علی شرح منهج الطلاب، بیروت، دارالفکر، ۲۰۰۷.
- بحرانی، شیخ یوسف، مشهور به صاحب حدائق، حدائق الناظره، گردآورنده ایروانی، محمد تقی، قم، بی نا، بی تا.
- بغوی شافعی، ابو محمد الحسین بن مسعود، شرح السنه، بیروت، مکتب الاسلامی، ۱۴۰۳ق.
- بنی هاشمی حسینی، سید محمد، توضیح المسائل مراجع مطابق با فتوای سیزده نفر از مرجع معظم تقلید، قم، انتشارات اسلامی جامعه مدرسن حوزه علمیه، ۱۳۸۵.
- بیهقی، احمد بن الحسین، سنن کبری، بیروت، دارالفکر، بی تا.
- جزیری، عبدالرحمن، الفقه المذاهب الاربعه، بیروت، دارالفکر، ۱۴۲۴هـ، ۲۰۰۴ق.
- جواهری، اسماعیل بن حمار، الصحاح، بی جا، امیری، ۱۳۶۸.
- حر عاملی، محمد بن الحسن، وسایل الشیعه، قم، مؤسسه آل بیت (علیه السلام) لایحیاء تراث ۱۴۰۹ق.
- حلی، جمال الدین، کنز العرفان فی فقه القرآن، تهران، مرتضوی، ۱۳۷۳.
- حلی، حسن بن یوسف، تذکره الفقهاء، قم، مؤسسه آل البيت (علیه السلام) لایحیاء التراث، ۱۴۰۰ق.
- حلی، نجم الدین جعفر بن حسن، شرایع الاسلام، قم، دارالتفسیر، چاپ دوم، ۱۳۷۷ش.
- سبحانی، جعفر، نظام النکاح فی الشریعة الاسلامیة الغراء، قم، مؤسسه امام صادق (علیه السلام)، بی تا.
- سیستانی، سید علی، توضیح المسائل با تجدید نظر و اصلاحات و اضافات مطابق با فتوای آیت الله سیستانی، مشهد، دفتر حضرت آیت الله العظمی، ۱۳۹۳.

سیوطی جلال‌الدین، تفسیر درالمنثور، م ۹۱۱، چاپ اول، دارالمعرفة، بیروت، لبنان.
شربینی، محمد الخطیب، مغنی المحتاج الی معرفة معانی الفاظ القرآن، دار الفکار، بیروت، بی تا.
شهید ثانی، روضة البهیه فی شرح المعه، تحقیق سید محمد کلانتر، بی جا، بی تا، ۱۳۸۶ ش و ۱۳۹۸.

صفای، حسین، امامی، اسدالله، مختصر حقوق خانواده، تهران، نشر میزان، چاپ هشتم، بی تا.
طباطبایی، سید علی بن ابی المعالی طباطبایی حائری، ریاض المسائل فی تحقیق الاحکام بالدلائل، قم، بی تا، بی نا، بی تا.
عاملی نبطی جزینی، شمس‌الدین محمد بن مکی بن احمد، لمعه دمشقیه، بیروت، دارالعلم الاسلامی، بی تا.

فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، قم، ناشر مؤسسه دارالهجره، بی تا.
مغنیه، محمد جواد، الفقه علی مذاهب الخمسة، کانون ثانی، ۱۴۰۲ ق. ۱۹۸۲ م، ۱۳۶۱ ش.
نجفی الجواهری، شیخ محمد حسن، جواهر الکلام، قم، دفتر انتشارات وابسته به جامعه مدرسین، ۱۳۹۱.

نراقی، احمد بن محمد مهدی، مسند شیعه، مشهد، مؤسسه ال البيت (علیه السلام) الحیاء الثرات، ۱۴۱۵ ق.
نیشابوری، مسلم، صحیح مسلم، بیروت، دارالحیاء الثرات عربی، بی تا.
هاشمی شاهرودی، محمود، فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل البيت (علیه السلام)، قم، مؤسسه دائره المعارف فقه اسلامی در مذهب اهل البيت (علیه السلام)، ۱۳۹۲-۱۳۹۵.
وزارت اوقاف و شئون اسلامی کویت، الموسوعة الفقهیه، مترجم احمد نعمتی، بی جا، احسان، ۱۳۹۶.

